

تاثیر حاکمیت شرکتی بانکها بر ثبات مالی

غزال ملکی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵ تاریخ چاپ: ۱۳۹۸/۰۶/۲۶

چکیده

حاکمیت شرکتی قوی در شرکت ها و از جمله بانک ها یکی از مهم ترین ابزارهای جلوگیری از فساد محسوب می شود. مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف نشان داده که با ضعف راهبری شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به دنبال آن علاوه بر کاهش سرمایه گذاری مستقیم داخلی و خارجی و افزایش مخارج دولت، رشد اقتصادی نیز کاهش پیدا کرده است. این تحقیق، یک تحقیق تجربی در حوزه تحقیق های اثباتی حسابداری است که مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت های مالی بانکهای پذیرفته شده در بازار اوراق بهادار تهران است. این پژوهش از نظر رابطه بین متغیرها علی، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی پیمایشی می باشد که در آن برای تأیید یا رد فرضیات از اطلاعات تاریخی شرکت ها و روش های آماری استفاده می شود. جامعه آماری این تحقیق مشتمل بر شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ می باشد که تعداد نمونه ۱۵ بانک می باشد. همچنین در این تحقیق از روش داده های تابلویی جهت تخمین مدل استفاده شد. به دو روش توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل داده های به دست آمده، پرداخته شده است. در این پژوهش برای آزمون فرضیه ها از نرم افزار آماری Eviews استفاده شده است. نتایج استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی چنین نشان داد که اندازه هیات مدیره و درصد اعضای غیرموظف بر ثبات مالی بانکی تاثیر مثبت و معناداری دارند.

واژگان کلیدی

ثبات مالی، حاکمیت شرکتی، بانک، اندازه هیات مدیره، درصد اعضای غیر موظف

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور تهران، ایران

۱. مقدمه

بحث حاکمیت شرکتی^۱ بعد از بحران مالی^۲ اخیر اهمیت بسزایی یافته است. نقش حاکمیت شرکتی از چند جهت دارای اهمیت است. اول اینکه برقراری حاکمیت شرکتی باعث می شود که منابع کمیاب در اقتصاد به صورت کارا استفاده شود. دوم اینکه منابع به سمت سرمایه گذاریهای کارا تخصیص یابند. سوم حاکمیت شرکتی به مدیران کمک می کند که بر بهبود عملکرد بنگاه تمرکز کنند. چهارم حاکمیت شرکتی به مدیر عامل یا هیئت مدیره^۳ در انتخاب بهترین ابزار برای کنترل منابع کمیاب کمک می کند. پنجم حاکمیت شرکتی نهادها را مجبور به پذیرش مقررات می سازد. همچنین ثبات سیستم بانکی به چهار دلیل دارای اهمیت است. اول اینکه یک سیستم بانکی باثبات محیط مناسبی را برای جذب سپرده ها فراهم می کند. دوم اینکه به انتقال سیاست پولی کمک می کند. سوم سیستم بانکی باثبات، واسطه مالی کارا ایجاد می کند و آن را قادر می سازد که در تخصیص منابع به سرمایه گذاریها موفق تر عمل نماید و در نتیجه می تواند باعث بهبود رشد اقتصادی و سرمایه گذاری شود. چهارم وجود سیستم بانکی باثبات باعث افزایش کارایی عملکرد سیستم بانکی و بهبود توزیع منابع در اقتصاد می شود (آگنور، آلپر و سیلور^۴، ۲۰۱۴).

به دلیل وجود ارتباط سیستم بانکی و سیستم کلان اقتصادی، برقراری حاکمیت شرکتی در بانکها دارای اهمیت است. البته باید اذعان نمود برقراری حاکمیت شرکتی در بانکها متفاوت از برقراری آن در سایر نهادهای مالی می باشد. پیچیدگی فعالیت بانکها، عدم تقارن اطلاعات را افزایش می دهد و قدرت سهامداران را برای مدیریت بانک کاهش می دهد. بانکها نقش اصلی تأمین منابع مالی را در کشورهای در حال توسعه بر عهده دارند. همچنین آنها بنگاههایی هستند که به دلیل سپرده های دریافتی از مشتریان نسبت بدهی به دارایی بالایی دارند. بنا به دلایل ذکر شده آنها بیشتر تحت تأثیر مقررات هستند به طوریکه باید پاسخگویی بیشتری نسبت به حقوق سپرده گذاران داشته باشند، ریسک خود را کاهش دهند و ثبات سیستم پرداخت را تضمین نمایند (پروین، شاکری و احمدیان، ۱۳۹۳).

مقررات حاکمیت شرکتی در زمینه تجدید ساختار مالکیت بانک باعث کاهش ریسک سیستماتیک شده و ممکن است با هدف اصلی سهامداران مبنی بر افزایش ارزش سهم متفاوت باشد. یک تضاد منافع درون بانک بین سپرده گذاران و سهامداران وجود دارد. سهامداران می خواهند وارد پروژه های پر ریسک شوند و ارزش سهام خود را در مقابل افزایش هزینه سپرده گذاران افزایش دهند. برای جلوگیری از بحران بانکی و افزایش اعتماد سپرده گذاران و همچنین جلوگیری از ورشکستگی سیستم بانکی، سپرده گذاران کوچک بیمه می شوند و بانکها بیشتر نظام مند می شوند. به نظر می رسد اجرای حاکمیت شرکتی در بانکها به بهبود عملکرد بانک کمک نماید، اما برقراری و اجرای حاکمیت شرکتی خوب بدون برقراری مکانیسم کنترل داخلی مناسب نظیر داشتن بخش نظارتی مقتدر و اعمال کنترل توسط هیئت مدیره مستقل و سهامداران امکان پذیر نیست (آنجلینی و نری^۵، ۲۰۱۴).

با توجه به اهمیت موضوع برقراری حاکمیت شرکتی در بانکها در این مقاله بر پایه مطالعه تئوریک ویشنی و شلیفر (۱۹۹۷)، اثر حاکمیت شرکتی بر ثبات بانکی بررسی شده است. چارچوب کلی مقاله در ادامه به این ترتیب می باشد. ابتدا چارچوب تئوریک برقراری حاکمیت شرکتی در بانکها بیان شده است. سپس مطالعات تجربی بر اساس چارچوب تئوریک در بخش سوم و در بخش چهارم برآورد مدل به روش داده های تابلویی و در نهایت جمع بندی و پیشنهادات ارائه گردیده است.

¹ Corporate Governance

² Financial crisis

³ Board of Directors

⁴ Agnore, Alper and Silver

⁵ Angelini and neri

۲. مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

مهمترین نظریه‌ای که به برقراری حاکمیت شرکتی در بازارهای مالی تأکید دارد، تئوری نمایندگی جنسن و مک لینک^۶ (۱۹۷۶) است. بر اساس این تئوری رابطه نمایندگی قرارداد فی‌مابین سهامداران و مدیریت نهاد مالی است بر اساس تئوری نمایندگی هیئت رئیسه، مدیریت سهامداران را برای کنترل مدیریت بنگاه نادیده می‌گیرند. بنابراین هیئت رئیسه به صورت مستقیم نسبت به کنترل مناسب شرکت عکس‌العمل نشان می‌دهند. بنابراین به خاطر جدا شدن مالکیت از مدیریت مخاطره اخلاقی و انتخاب بد ممکن است اتفاق بیفتد و هیئت مدیره ممکن است منافع خود را در مقابل منافع سهامداران حداکثر سازند. بنابراین مکانیسمی باید باشد که منافع سهامداران را در نظر بگیرد. برقراری حاکمیت شرکتی مناسب می‌تواند تضاد منافع را از بین ببرد (فرزین و ش، دادگر، مهرآرا و همکاران، ۱۳۹۶). در ادامه تئوری نمایندگی را بیان می‌کنیم.

تئوری نمایندگی و مجزا نمودن ساختار مالکیت از ساختار مدیریت تئوری نمایندگی به صورت شفاف مدیریت را از مالکیت جدا می‌سازد. اگر کمیته حاکمیت شرکتی و رئیس هیئت مدیره فرد یکسانی باشد آنگاه ممکن است که قدرت مدیر عامل زیاد بشود و او به دنبال منافع خود باشد به جای اینکه به فکر حداکثر نمودن منافع سهامداران باشد. بنابراین مجزا کردن مدیریت از مالکیت باعث می‌شود که حاکمیت شرکتی کاراتر اعمال شده و عملکرد بانکی بهبود یابد (هادیان و درگاهی، ۱۳۹۶).

۲.۱. تئوری نمایندگی و اندازه هیئت مدیره

تئوری نمایندگی بیان می‌کند که هیئت مدیره با بیشتر از ۷ یا ۸ عضو کارا نیست. هیئت مدیره بزرگ کمتر با هم هماهنگ هستند و کمتر با هم در ارتباط هستند و تصمیم‌سازی آنها با مشکل مواجه می‌شود. هیئت مدیره بزرگ باعث می‌شود که اعضا کمتر با هم هماهنگ باشند به این دلیل که کنش و واکنش زیادی نسبت به هم دارند و دچار تضاد منافع با هم می‌شوند. در مجموع هیئت مدیره کوچک به نظر می‌رسد برای مشارکت اعضای هیئت مدیره مناسب‌تر باشد و بنابراین وجود هیئت مدیره کوچک اثر مثبت بر کنترل و ظرفیت تصمیم‌سازی هیئت مدیره و استقلال مدیران خواهد داشت (شکوهی فرد، ظفر پور محمدسرابی، ۱۳۹۴).

۲.۲. تئوری نمایندگی و مالکیت

تئوری نمایندگی بر اهمیت ساختار مالکیت در توسعه حاکمیت شرکتی تأکید دارد. ساختار مالکیت از سه جنبه قابل بررسی است: مالکیت مدیرانه، مالکیت بلوکی، مالکیت نهادی. اگر هیئت رئیسه نهاد مالی، مالک سهام باشند، آنگاه آنها همانند مالکین به طور مستقیم به مدیران دستور می‌دهند و آنها را کنترل می‌کنند. بنابراین مسائل کمتری در مقایسه با موقعیتی که اعضای هیئت رئیسه مالک نیستند ولی مدیریت شرکت را نظارت می‌کنند، وجود خواهد داشت. در مالکیت بلوکی اگر یک فرد میزان قابل توجهی سهام در یک شرکت خاص داشته باشد، آنگاه از عملکرد شرکت نسبت به سهامدارانی که مالک تعداد کمی سهام هستند بیشتر نفع می‌برد. اهمیت نقش سهامداران عمده در کنترل بنگاه به این دلایل است: سهامداران عمده که به طور نرمال مالک تعداد قابل توجهی سهام می‌باشند، منافع بیشتری را نسبت به سهامداران کوچک از بهبود عملکرد بنگاه خواهند داشت. آنها نسبت به سهامداران خرد توانایی بیشتری در کنترل مدیران خواهند داشت (تقوی، احمدیان و کیانوند، ۱۳۹۲).

در دهه اخیر نیز برقراری حاکمیت شرکتی در سیستم بانکی از مباحث مهم و مطرح در مطالعات می‌باشد. هدف از برقراری حاکمیت شرکتی در بانکها افزایش امنیت و ثبات مالی و حفاظت از سرمایه‌گذاران عنوان شده است. دیدگاه‌های مختلفی در مورد رابطه بین برقراری حاکمیت شرکتی و آثار آن بر عملکرد سیستم بانکی وجود دارد. یک دیدگاه تأکید بر برقراری حاکمیت شرکتی توسط ناظران و قانونگذاران و دیدگاه دوم تأکید بر نظارت بر بخش خصوصی و یا سهامداران بر برقراری حاکمیت شرکتی و دیدگاه سوم تأکید بر نقش مالکیت بانکها در برقراری و اجرای حاکمیت شرکتی مناسب دارد که در ادامه بیان می‌گردد (راونا و والش^۷، ۲۰۰۶).

^۶ McLean

^۷ Ravenna and Walsh

بر اساس یک دیدگاه که از سوی اتوال و تیلور^۸ (۲۰۰۰) بیان شده است، حاکمیت شرکتی در بانکها متفاوت از حاکمیت شرکتی در دیگر بنگاههای مالی می باشد و برقراری آن توسط ناظران و قانونگذاران بانکی صورت می پذیرد. این دیدگاه از آنجا ناشی می شود که بانکها و بنگاههای مالی با ریسکهای متعدد مالی مواجه هستند که بنگاههای غیر مالی در معرض آن ریسکها نیستند مثل ریسک اعتباری. بنابراین مقررات نقش مهمی در رعایت استانداردها و مدیریت مالی بانکها جهت افزایش کارایی و پاسخگویی بانکها دارند. برعکس بنگاههای غیر مالی در بانکها اگر مدیریت مالی به درستی صورت نگیرد بانک را با خطر ورشکستگی مواجه می سازد. نقش هیئت مدیره بانک در ایجاد تعادل بین سپرده ها و عرضه اعتبارات و حفظ حقوق سهامداران و سپرده گذاران مهم است. بنابراین قانونگذار و ناظر بانکی در مورد تصمیماتی که اتخاذ می کند و هیئت مدیره مجری آن است، پاسخگوست (ساه^۹، ۲۰۱۲). در مقابل دیدگاه دیگر که توسط میکی و اوهارا (۲۰۰۳) بیان شده است، معتقد است که نظارت بخش خصوصی باید حاکمیت شرکتی را در بانکها برقرار نماید. بر اساس این دیدگاه ناظر و قانونگذار منافع سهامداران را در نظر گرفته و سهامداران نسبت به این موضوع که بانک نسبت به تصمیمات خود پاسخگوست را مطمئن می سازد بر اساس این دیدگاه با پاسخگو بودن روسای بانکها و مدیران آنها نسبت به سپرده گذاران و سهامداران، پاسخگویی و کارایی عملکرد بانکها افزایش می یابد. همچنین بر اساس این دیدگاه سپرده گذاران و سهامداران می توانند عملکرد هیئت مدیره را با استانداردهای حاکمیت شرکتی بسنجند. این موضوع باعث می شود که مدیران بانکها بهتر بتوانند ریسکهای که بانک با آن مواجه است را کنترل نمایند (گرالی، نرا و سسا^{۱۰}، ۲۰۱۲).

دیدگاه دیگری توسط ویشنی و شلیفر^{۱۱} (۱۹۹۷) بیان شده است که تأکید بر نقش مالکیت بانکها در برقراری مقررات حاکمیت شرکتی و بهبود عملکرد بانکی دارد. بر اساس این دیدگاه مالکیت بانکها به سه دسته مالکیت دولتی، مالکیت خصوصی، مالکیت خارجی تقسیم می شود. مالکیت خارجی بانک به دنبال حداکثر نمودن سود دهی بانک است تا بتواند در عرصه بین المللی به فعالیت خود ادامه دهد. پس رعایت مقررات حاکمیت شرکتی برای آن دارای اهمیت است. اما مالکیت دولتی یک بانک باعث می شود که بیشتر فعالیتهای خود را در راستای اهداف حاکمیت و اهداف سیاسی قرار دهد. مالکیت خصوصی نیز به دنبال جذب مشتریان و افزایش سودآوری بانک می باشد بنابراین برای آن رضایت مشتریان، سپرده گذاران و سهامداران در اولویت قرار دارد که برقراری حاکمیت شرکتی می تواند نقش موثری در بهبود عملکرد سیستم بانکی داشته باشد.

رستم پور (۱۳۹۷) در پژوهش خود با عنوان بررسی اثرات حاکمیت شرکتی بر روی ثبات مالی بانکهای پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، دلالت هایی برای بهبود و تقویت ثبات مالی کشور در راستای اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی افشا و شفافیت) پرداخت با توجه به بحرانهای مالی و بانکی دهه ۱۹۹۰ در کشورهای آمریکا و کانادا و همچنین کشورهای جنوب شرق آسیا در سالهای ۱۹۹۷ تا ۱۹۹۹ و همچنین سال های اخیر، جایگاه حاکمیت شرکتی برای موفقیت شرکت ها و بنگاههای مالی اهمیتی بیش از پیش یافته است. بررسی علل ورشکستگی برخی از شرکت ها و بانکهای بزرگ که زیانهای کلانی به ویژه برای سهامداران در پی داشته، مشخص می کند این ضرر و زیان ها غالباً ناشی از ضعف حاکمیت شرکتی در این بنگاه ها و شرکت ها بوده است. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای و اقتصاد سنجی به بررسی اثرات حاکمیت شرکتی (بعد افشا و شفافیت) بر ثبات مالی بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق تهران در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۶ و با حجم نمونه ۹ بانک پذیرفته شده در بورس می پردازیم. برای برآورد مدل روش داده های ترکیبی (پانل) بکار گرفته شده است که برای آزمون اعتبار داده های ترکیبی از آزمون F لیمر و برای انتخاب اثرات ثابت و اثرات تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شده است. نتایج حاصل از برآورد مدل بیانگر معناداری مثبت حاکمیت شرکتی (بعد افشا و شفافیت) بر روی ثبات مالی بانکهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار می باشد و در پایان به برخی از عواملی که باعث شده حاکمیت شرکتی در نظام مالی به صورت کارا اجرا نشود اشاره شده است.

⁸ Attal and Taylor

⁹ suh

¹⁰ Grali, Neera and Sasa

¹¹ Vishni and Shalifar

اکبری، داریانی، خان زند (۱۳۹۶) در مقاله ای به عنوان تأثیر مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی بر ثبات مالی شرکت‌های بیمه مورد بررسی قرار داد حاکمیت شرکتی مکانیسم مناسبی برای کنترل ریسک سازمانها است و حاکمیت شرکتی ضعیف میتواند بر افزایش ریسک ورشکستگی و در نتیجه بر گسترش بحرانهای مالی تأثیرگذار باشد. هدف از پژوهش حاضر بررسی تأثیر مؤلفه‌های حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت مدیره، استقلال هیئت مدیره، اندازه شرکت، درصد مالکیت سهام هیئت مدیره، ساختار مالکیت هیئت مدیره) و متغیرهای کلان اقتصادی (تورم و رشد تولید ناخالص داخلی) بر ثبات مالی شرکت‌های بیمه (شاخص Z-score) از طریق تحلیل داده‌های تابلویی مربوط به ۱۱ شرکت بیمه ایرانی در بازه زمانی ۱۳۳۱-۱۳۳۱ با استفاده از نرم‌افزار Stata است. یافته‌ها نشان میدهد اندازه هیئت مدیره، استقلال اعضا و اندازه شرکت بر ثبات مالی شرکت‌های بیمه اثر مثبت و تورم سالیانه اثر منفی دارد.

نتایج به دست آمده در خصوص اثر مثبت تعداد اعضای هیئت مدیره و همچنین استقلال آنها بر ثبات مالی شرکتها، مهر تأییدی بر ضرورت وجود مواد ۳ و ۱ آییننامه شماره ۳۳ شورای عالی بیمه میباشد.

تلفیق شاخص‌هایی نظیر Z-score با شاخص توانگری مالی میتواند در تشخیص دقیقتر ریسک ورشکستگی شرکت‌های بیمه و میزان ثبات مالی آنها و متعاقباً تعریف اقدامهای پیشگیرانه لازم و اصلاح وضعیت مالی و عملکردی شرکتها مؤثر باشد.

تقوی، احمدیان، کیانوند (۱۳۹۲) در مقاله ای به بررسی تحلیلی بر تأثیر حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی کشورهای در حال توسعه (با تأکید بر شاخص مالکیت بانکها) پرداختند حاکمیت شرکتی مکانیسم مناسبی برای کنترل ریسک درون بنگاه است. بعد از وقوع بحران مالی اخیر، ناظران بانکی و بانک‌های مرکزی بحث کردند که حاکمیت شرکتی ضعیف ممکن است نقش مهمی در افزایش ریسک پذیری نهاد مالی و در نتیجه گسترش بحران مالی داشته باشد. به نظر می‌رسد در کشورهای در حال توسعه، برقراری حاکمیت شرکتی در بانک‌ها مهمتر از برقراری حاکمیت شرکتی در سایر نهادهای مالی باشد. به دلیل اینکه بخش بانکی در این دسته از کشورها نقش بیشتری نسبت به سایر نهادهای مالی در اقتصاد دارا است. وجود حاکمیت شرکتی ضعیف در بانک باعث کاهش اطمینان در توانایی بانک برای مدیریت دارایی‌ها و بدهی‌هایش می‌شود. بنابراین بررسی اثر حاکمیت شرکتی بر عملکرد سیستم بانکی دارای اهمیت است.

در این پژوهش تأثیر ساختار مالکیت بانک‌ها به عنوان معیار سنجش حاکمیت شرکتی بر شاخص‌های ثبات بانکی برخی از کشورهای در حال توسعه بررسی شده است. ساختار مالکیت بانک‌ها به عنوان متغیر مستقل از جنبه مالکیت دولتی، مالکیت خصوصی و مالکیت خارجی بررسی شده است. نمونه مورد بررسی ۴۰ کشور منتخب از کشورهای در حال توسعه در دوره ۲۰۰۰-۲۰۱۱ می‌باشد. برای آزمون فرضیه از روش اثرات تصادفی داده‌های تابلویی استفاده شده است. نتایج حاصل از بررسی بیانگر آن است که مالکیت دولتی بانک‌ها اثر بزرگتری بر افزایش مطالبات معوق نسبت به مالکیت خصوصی و خارجی دارد. اما مالکیت خارجی نسبت به سایر انواع مالکیت‌ها از نظر نسبت سودآوری بانک بهتر عمل می‌نماید.

رحیمیان، محمدی، صالحی‌راد (۱۳۹۲) در مقاله ای به بررسی نقش سازوکارهای حاکمیت شرکتی در عملکرد بانکها پرداختند با توجه به نقش مهم بانکها در اقتصاد، حاکمیت شرکتی در بانکها از اهمیت زیادی برخوردار است. سقوط انرون و مطرح شدن قانون سارینز آکسلی، بحران مالی جهانی و رسوایی‌های بانکی اخیر در کشور از مهمترین انگیزه‌های پژوهش در حوزه‌ی حاکمیت شرکتی بانکها است.

این مقاله پس از بررسی ویژگی‌های خاص سیستم بانکی به بررسی تجربی تأثیر سه دسته سازوکارهای حاکمیت شرکتی (ساختار مالکیت، ساختار هیات مدیره و حسابرسی) بر عملکرد بانک‌های ایرانی می‌پردازد. یافته‌های حاصل از بررسی اطلاعات مربوط به ۷۸ سال شرکت طی بازه‌ی زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ با استفاده از الگوی داده‌های تابلویی با اثرات تصادفی، نشان میدهد که سازوکارهای حاکمیت شرکتی به‌طور کلی بر عملکرد بانکها مؤثر است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که درصد مالکیت سهامداران عمده رابطهی مثبت و معناداری با عملکرد بانک دارد. همچنین بین تفکیک وظایف مدیرعامل از هیات مدیره و کیفیت

حسابرسی با عملکرد بانک رابطه منفی و معناداری وجود دارد. از طرفی نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین اندازه‌ی هیات مدیره و درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره با عملکرد بانک رابطه‌ی معناداری وجود ندارد

لیوپر^{۱۲} (۲۰۱۵) در مقاله به عنوان رابطه غیر مستقیم بین حاکمیت شرکتی و ثبات مالی مورد بررسی قرار داد در پی بحران‌های اخیر، آگاهی بیشتری در مورد نقش یک چارچوب حاکمیت سازمانی صحیح برای افزایش ثبات مالی وجود دارد. با این وجود ما اعتقاد داریم که رابطه بین حکمرانی شرکتی و ثبات مالی غیرمستقیم است؛ شرکت‌ها موظف به دنبال ثبات مالی نیستند مگر آنکه قوانین یا مقررات خاص آن نیازمند باشد. جالب توجه است، با داشتن چنین اهدافی، شرکت‌های بزرگ، به ویژه کسانی که در سیستم مالی فعالیت می‌کنند، می‌توانند به خطرات سیستمیک منجر شوند، از حمایت مالی برخوردار شوند. مشکلات کلاسیک حاکمیت شرکتی مانند جبران خسارت مدیریت، ترکیب هیئت مدیره و استقلال مدیر، نظریه عامل یا ارزیابی صحیح، مشکلی است که در هنگام ارزیابی چگونگی تأثیر آن بر ثبات مالی، تحلیل می‌شود.

کراسپی و همکاران^{۱۳} (۲۰۱۴) اثر حاکمیت شرکتی را بر عملکرد سیستم بانکی با تأکید بر شاخصهای ثبات بانکی کشور اسپانیا بررسی نموده‌اند. یافته‌های این مقاله حاکی از وجود رابطه منفی بین مداخله حاکمیت و عملکرد سیستم بانکی است. اما نتیجه دخالت با تغییر نوع مالکیت بانک متفاوت است. مکانیسم کنترل داخلی باعث بهبود عملکرد بانکهای تجاری شده است، اما در بانکهای سپرده‌پذیر مکانیسم ضعیف کنترل داخلی اثر چندانی بر بهبود عملکرد این نوع از بانکها ندارد، اما رابطه معنی‌داری بین مداخله حاکمیت شرکتی و عملکرد بانکهای سپرده‌پذیر دارد.

لی^{۱۴} (۲۰۱۳) اثر حاکمیت شرکتی را بر ثبات مالی ۱۷ کشور در حال توسعه در دوره ۱۹۹۳-۲۰۰۴ با استفاده از روش داده‌های تابلویی بررسی کرده است. نتایج حاصل از بررسی حاکی از این است که اگر آزاد سازی مالی قبل از اجرای درست مقررات حاکمیتی برقرار شود باعث بی‌ثباتی مالی و بالاخص باعث بحران و بی‌ثباتی بانکی می‌شود. درواقع یک رابطه پویا بین آزاد سازی بازار مالی و مقررات حاکمیت شرکتی وجود دارد.

۲.۳. فرضیه‌های پژوهش

اندازه هیات مدیره بر ثبات مالی بانک تأثیر معناداری دارد.

درصد اعضای غیرموظف بر ثبات مالی بانک تأثیر معناداری دارد.

۲.۴. مدل تحقیق

مدل رگرسیونی پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

$$z_score = \beta_0 + \beta_1 * INDEPEND + \beta_2 * BSIZE + \beta_3 * Size + \beta * Growth + \beta * 5 Roa$$

متغیر مستقل: حاکمیت شرکتی

در این تحقیق حاکمیت شرکتی با ابعاد درون سازمانی زیر سنجیده می‌شود.

درصد اعضای غیرموظف هیئت مدیره^{۱۵}:

در این تحقیق همانند تحقیق‌های حسن و بوت (۲۰۰۹)، گادفرد^{۱۶} و همکاران (۲۰۰۹) و ایزدی نیا و رساییان (۱۳۸۹) این متغیر از

درصد (نسبت) اعضای غیرموظف هیئت مدیره به کل اعضای هیئت مدیره بدست می‌آید.

اندازه هیئت مدیره (BSize):

در این تحقیق متغیر اندازه هیئت مدیره به وسیله تعداد اعضاء هیئت مدیره سنجیده می‌شود (ابور^{۱۷}، ۲۰۰۷).

متغیر وابسته: ثبات مالی بانک

¹² Lyuper

¹³ Kraspi et al

¹⁴ Lee

¹⁵ - Independent Ratio

¹⁶ -Gadfard

¹⁷ -Ebever

به منظور ثبات مالی در بانکها از شاخص Z-score استفاده خواهیم کرد. سیپک و هسی (۲۰۰۹) شاخصی را بر اساس نظریه ارزش مجوز برای اندازه گیری ثبات مالی بانکها معرفی کردند که به نظر میرسد به نظریه ارزش مجوز نزدیک باشد؛ این شاخص متغیری در محیط سرمایه گذاری مطرح شده، اما با اصول Z-score است. گرچه شاخص Z-score وابسته به نام و ویژگیهای نظام مالی اسلامی همخوانی داشته و قابل تعمیم به بانکهای اسلامی است. این شاخص با احتمال ورشکستگی بانک رابطه معکوس دارد. ورشکستگی بانک به این صورت تعریف می شود که ارزش داراییهای بانک، کمتر از ارزش بدهیهایش باشد؛ این شاخص به صورت زیر نشان داده می شود:

$$Z = \frac{k + \mu}{\delta}$$

که در آن:

k: همان نسبت سرمایه نقدی به دارایی است که از تقسیم سرمایه نقدی به مجموع دارایی های مالی بانک به دست می آید.
 μ : میانگین بازدهی داراییهای بانک است. شایان ذکر است که در صورت سود و زیان بانکها دو نوع درآمد ذکر شده است: درآمدهای مشاع و غیر مشاع.

درآمدهای مشاع همان درآمد ناشی از اعطای تسهیلات است که وقتی سهم سپرده گذاران از آن کسر شود، آنچه باقی میماند همان سهم بانک از درآمدهای مشاع میباشد و در این مطالعه به عنوان بازدهی ناشی از فعالیتهای مشاع در نظر گرفته شده است. درآمدهای غیر مشاع هم شامل مواردی از قبیل درآمد ناشی از معاملات ارزی، کارمزد دریافتی، حقالوکاله از میانگین درآمدهای مشاع و μ بهکارگیری سپردهها و... میباشد. در این مطالعه برای محاسبه غیرمشاع استفاده شده و در نهایت میانگین به دست آمده بر سطح دارایی های مالی بانک تقسیم می شود.

δ : انحراف معیار بازدهی دارایی به عنوان تقریبی برای دفعات تغییر بازده (ریسک بازده) است؛

δ . برای محاسبه از انحراف معیار درآمدهای مشاع و غیر مشاع استفاده میشود

مشخص است که هرچه Z بزرگتر باشد، احتمال ورشکستگی بانک کمتر است. یکی از ویژگیهای مهم شاخص Z-score آن است که میزان ثبات را به طور واضح، معقولانه و قابل استناد نشان میدهد. این شاخص، هم برای بانکی دارای استراتژی ریسک بالا -بازده بالا و هم برای بانکی که از استراتژی ریسک پایین -بازده پایین استفاده میکند. قابل استناد است.

متغیرهای کنترلی

به منظور کنترل سایر متغیرهایی که به نحوی در تجزیه و تحلیل مسأله تحقیق مؤثرند، متغیرهای کنترلی لازم با توجه به مرور متون به شرح زیر تعیین شدند:

اندازه شرکت (Size): برابر است با لگاریتم طبیعی جمع دارایی های پایان دوره.

اهرم مالی (lev): برابر نسبت کل بدهی به کل دارایی

بازده دارایی (ROA): برابر است با نسبت سود خالص به جمع دارایی های پایان دوره.

۳. یافته های پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد مدل و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. آمار توصیفی به محاسبه پارامترهای جامعه می پردازد و شامل شاخص های مرکزی و پراکندگی جامعه و ... می باشد. در جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، بیشینه، کمینه، انحراف معیار و ... آورده شده است.

جدول (۱) آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
درصد اعضای غیر موظف	۰,۳۹۴۲	۰,۴	۱	۰,۰۰۰۰	۰,۱۲۹۹
اندازه هیات مدیره	۵,۴۱۵۶	۰,۳	۵	۱	۰,۱۲۹۹
ثبات مالی	۵,۸۸۲	۳,۲۱۴	۷,۱۹۷۲	۰,۹۴۰۷	۰,۱۰۱۳
اندازه شرکت	۱۳,۹۵۹	۱۳,۷۹۶	۱۸,۷۳۹	۱۰,۱۰۴	۱,۳۴۷۶
اهرم مالی	۲,۴۹۰۸	۲,۱۵۰۱	۷,۳۵۷۹	۰,۳۷۶۳	۱,۵۰۷۷
بازده دارایی	۰,۱۱۵۴	۰,۰۹۶۶	۰,۵۵۰۲	-۰,۲۶۳۴	۰,۱۳۹۲

نرمال بودن جزء خطا

یکی از فروض مهم راجع به جمله باقیمانده این است که توزیع جملات آن نرمال است. به منظور آزمون نرمال بودن جمله خطا از آماره آزمون جارکو-برا^{۱۸} استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده، مقدار احتمال آماره آزمون جارکو-برا، در هر سه مدل پژوهش کمتر از ۵٪ می باشد. بنابراین در هر سه مدل فرضیه صفر مبنی بر نرمال بودن جزء خطا رد می شود. زمانی که اندازه نمونه به اندازه کافی بزرگ باشد، انحراف از فرض نرمال بودن معمولاً بی اهمیت و پیامدهای آن ناچیز است. در شرایط مذکور، با توجه به قضیه حد مرکزی می توان دریافت که حتی اگر باقیمانده ها نرمال نباشند، آماره های آزمون به طور مجانبی از توزیع نرمال پیروی می کنند، بدون تورش هستند و از کارآیی برخوردارند. لذا با توجه به این مطالب می توان فرض نرمال بودن جزء خطا را نادیده گرفت.

جدول ۲: نتایج حاصل از نرمال بودن جمله خطا

مدل	آماره جارکو به را	احتمال	نتیجه
اول	۱۲,۵۸۹۵	۰,۰۰۱۸	نرمال نبودن جز خطا

بررسی مانایی متغیرهای پژوهش

همان طور که در فصل سه اشاره شد، لازم است که قبل از تخمین مدل، مانایی متغیرهای آن مورد بررسی قرار بگیرد. یک متغیر، وقتی ماناست که میانگین، واریانس و کواریانس آن در طول زمان ثابت باقی بماند. به طور کلی اگر مبدأ زمانی یک متغیر، تغییر کند و میانگین و واریانس و کواریانس تغییری نکند، در آن صورت متغیر ماناست و در غیر این صورت متغیر، نامان خواهد بود. فرضیه های مربوط به مانایی متغیرها به صورت زیر می باشد:

$$\begin{cases} H_0: \text{متغیر ناماناست} \\ H_1: \text{متغیر ماناست} \end{cases}$$

مانایی متغیرها در سه حالت "در سطح"، "روی تفاضل اول" و "روی تفاضل دوم" می تواند بررسی شود. متغیرهایی که احتمال حاصل از آزمون آنها "در سطح" کمتر از ۵٪ می باشد فرضیه صفر در مورد آن رد شده و آن متغیر در سطح ماناست در صورتیکه بیشتر از ۵٪ باشد، ناماناست.

نتایج آزمون مانایی در جدول (۳) درج گردیده است. بر اساس آزمون «لین، لین و چو»^{۱۹} چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از ۵٪ بوده است، همه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح پایا^{۲۰} بوده اند پایایی بدین معنی است که میانگین

¹⁸ - Jarque-Bera

¹⁹ - Levin, Lin & Chu.

²⁰ - Stationarity

و واریانس متغیرهای پژوهش در طول زمان و کواریانس متغیرها بین سالهای مختلف ثابت بوده است. همانگونه که در جدول (۳) ملاحظه می شود همه متغیرها مانا هستند و نیازی به آزمون هم جمعی^{۲۱} وجود ندارد. بنابراین مشکل رگرسیون کاذب در ضرایب برآوردی وجود نخواهد داشت در رگرسیون کاذب معنی دار ضرایب به صورت کاذب است.

جدول ۳: نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نتایج	لوین، لین و چو		متغیرها
	احتمال	آماره	
مانا	۰,۰۰۰۰	-۱۲,۴۷۴۹	درصد اعضای غیر موظف
مانا	۰,۰۰۰۰	-۱۰,۶۴۳۱	اندازه هیات مدیره
مانا	۰,۰۰۰۰	-۶,۰۷۷۱	ثبات مالی
مانا	۰,۰۰۰۰	-۱۷,۹۳۲۹	اندازه شرکت
مانا	۰,۰۰۰۰	-۶,۳۳۹۸	اهرم مالی
مانا	۰,۰۰۰۰	-۶,۰۸۶۴	بازده دارایی

آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

با توجه به دلایل مطروحه در فصل سوم داده های این پژوهش از نوع ترکیبی می باشد. اما قبل از تخمین مدل ها لازم است که روش تخمین (تلفیقی یا تابلویی) مشخص گردد. برای این منظور از آزمون F لیمر استفاده شده است. برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵٪ باشد یا به عبارتی دیگر آماره آزمون آنها کمتر از آماره جدول باشد، از روش تلفیقی استفاده می شود و برای مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵٪ است، برای تخمین مدل از روش تابلویی استفاده می شود. روش تابلویی خود با استفاده از دو مدل "اثرات تصادفی" و "اثرات ثابت" می تواند انجام گیرد. برای تعیین اینکه از کدام مدل استفاده شود از آزمون هاسمن استفاده گردیده است. مشاهداتی که احتمال آزمون آنها کمتر از ۵٪ است از مدل اثرات ثابت و مشاهداتی که احتمال آزمون آنها بیشتر از ۵٪ است از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده شده است.

همان طور که در جدول (۴) منعکس گردیده، احتمال F لیمر کلیه مدل های پژوهش کمتر از ۵٪ می باشد لذا برای تخمین کلیه مدل ها از روش تابلویی استفاده می شود. و با توجه به اینکه احتمال آزمون هاسمن کلیه مدل های تحقیق کمتر از ۵٪ می باشد لذا برای تخمین کلیه مدل ها از الگوی اثرات ثابت بهره گرفته می شود.

جدول ۴: نتایج حاصل از آزمون F لیمر و آزمون هاسمن

مدل	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
اول	لیمر F	۸,۵۴۸۶	۰,۰۰۰۰	روش تابلویی
	هاسمن	۱۳,۶۸۰۶	۰,۰۰۸۴	الگوی اثرات ثابت

تخمین مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

بعد از اینکه فروض کلاسیک مربوط به رگرسیون و مانایی متغیرهای پژوهش مورد بررسی قرار گرفت و روش تخمین مدل هم مشخص گردید، حال نوبت آن است که مدل با توجه به نتایج آزمون F لیمر و هاسمن برآورد گردد. در همین راستا از نرم افزار Eviews9 برای تشخیص رابطه موجود بین متغیرها استفاده شده است.

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

حاکمیت شرکتی بر ثبات مالی بانکی تأثیر معناداری دارد.

✓ درصد اعضای غیرموظف بر ثبات مالی بانکی تأثیر معناداری دارد.

✓ اندازه هیئت مدیره بر ثبات مالی بانکی تأثیر معناداری دارد.

به منظور آزمون این فرضیه از نتایج تخمین مدل که ارائه شده، بهره گرفته شده است. با توجه به نتایج مدل اول، مقدار احتمال (یا سطح معناداری) F برابر $0/0000$ بوده و چون این مقدار کمتر از $0,05$ است، فرض صفر در سطح اطمینان 95% رد می‌شود، یعنی مدل معنی دار است. مقدار آماره دوربین واتسون $2,097$ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی را نشان می‌دهد. نتایج مربوط به ضریب تعیین نشان می‌دهد، تقریباً $78,95\%$ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

نتایج حاصل از آماره t نشان می‌دهد که در سطح اطمینان 95% ، کلیه متغیرهای موجود در مدل معنی دار هستند. نتایج حاصل از متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که اندازه و رشد و بازده دارایی با ثبات مالی بانکی رابطه مثبت و معناداری دارند.

در حالت کلی نتایج تخمین مدل اول نشان می‌دهد که ضریب متغیر درصد اعضای غیرموظف، $0/041800$ بوده که نشان دهنده تأثیر درصد اعضای غیرموظف بر ثبات مالی بانکی می‌باشد که با توجه به آماره t ، در سطح اطمینان 95% ضریب متغیر درصد اعضای غیرموظف معنی دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه فرعی اول را تأیید شده تلقی نمود. این امر به این معنی است که بین درصد اعضای غیرموظف و ثبات مالی بانکی رابطه معناداری وجود دارد.

همچنین نشان می‌دهد که ضریب متغیر اندازه هیئت مدیره، $0/2007$ بوده که نشان دهنده تأثیر مثبت اندازه هیئت مدیره بر ثبات مالی بانکی می‌باشد که با توجه به آماره t ، در سطح اطمینان 95% ضریب متغیر اندازه هیئت مدیره معنی دار می‌باشد، با توجه به موارد فوق می‌توان فرضیه فرعی دوم را تأیید شده تلقی نمود. این امر به این معنی است که بین اندازه هیئت مدیره و ثبات مالی بانکی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، در صورت افزایش اندازه هیئت مدیره، ثبات مالی بانکی افزایش می‌یابد.

جدول ۵: نتایج تخمین مدل اول پژوهش

متغیر وابسته: ثبات مالی بانکی		روش تخمین: رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته			
متغیر	نماد	ضریب برآوردی	خطای استاندارد	آماره t	احتمال
مقدار ثابت	C	0,165979	0,080733	2,055904	0,0401
درصد اعضای غیرموظف	Independent Ratio	0,41800	0,013303	-3,14209	0,0017
اندازه هیئت مدیره	BSIZE	0,200786	0,084514	2,375756	0,0178
اندازه شرکت	SIZE	0,019639	0,007465	2,630886	0,0088
اهرم مالی	lev	0,010421	0,003712	2,807363	0,0052
بازده دارایی	ROA	-0,302753	0,02013	-15,03954	0,0000
ضریب تعیین تعدیل شده		78,95%			
دوربین-واتسون		2,097			
آماره F		549,196			
احتمال (آماره F)		0,0000			

۴. بحث و نتیجه گیری

تفاوت قابل توجه صنعت بانکداری با سایر صنایع و نقش قابل توجه آن در اقتصاد کشور موجب شده که اهمیت راهبری شرکتی در بانک‌ها حساس‌تر از سایر صنایع باشد. اگرچه راهبری شرکتی ضعیف در هر شرکتی می‌تواند منجر به بی‌ثباتی مالی شده و در نتیجه

ریسک شرکت را افزایش دهد؛ اما این وضعیت در خصوص بانک ها حادث تر به نظر می رسد. اگسترش دامنه فعالیت شرکت ها و نیاز به مدیران متخصص، به منظور تقویت پاسخگویی و شفافیت اطلاعات در شرکت ها و واحدهای اقتصادی که تمام یا بخشی از سرمایه آنها از سوی سهامداران تامین مالی شده است، مدیریت از مالکیت در شرکت ها به ویژه شرکت های سهامی عام تفکیک شده و مدیران شرکت ها نه تنها در برابر سهامداران و مالکان بلکه در برابر گروه ذینفع بزرگتری به نام جامعه، مسئولیت پاسخگویی دارند. بنابراین برای حصول اطمینان از ایفای مسئولیت پاسخگویی بنگاه های اقتصادی در مقابل عموم افراد ذینفع، باید نظارت و مراقبت کافی به عمل آید. اعمال نظارت و مراقبت در این زمینه مستلزم وجود ساز و کارهای مناسبی است که از جمله آن طراحی و اجرای نظام راهبری شرکتی مناسب در بنگاه های اقتصادی است. راهبری شرکتی قوی در شرکت ها و از جمله بانک ها یکی از مهم ترین ابزارهای جلوگیری از فساد محسوب می شود. مطالعات انجام شده در کشورهای مختلف نشان داده که با ضعف راهبری شرکتی، فساد مالی افزایش یافته و به دنبال آن علاوه بر کاهش سرمایه گذاری مستقیم داخلی و خارجی و افزایش مخارج دولت، رشد اقتصادی نیز کاهش پیدا کرده است.

حاکمیت شرکتی مکانیسم مناسبی برای کنترل ریسک درون بنگاه است. بعد از وقوع بحران مالی اخیر، ناظران بانکی و بانکهای مرکزی بحث کردند که حاکمیت شرکتی ضعیف ممکن است نقش مهمی در افزایش ریسک پذیری نهاد مالی و در نتیجه گسترش بحران مالی داشته باشد. به نظر می رسد در کشورهای در حال توسعه، برقراری حاکمیت شرکتی در بانکها مهمتر از برقراری حاکمیت شرکتی در سایر نهادهای مالی باشد. به دلیل اینکه بخش بانکی در این دسته از کشورها نقش بیشتری نسبت به سایر نهادهای مالی در اقتصاد دارا است.

وجود حاکمیت شرکتی ضعیف در بانک باعث کاهش اطمینان در توانایی بانک برای مدیریت داراییها و بدهی هایش می شود. عوامل مختلفی باعث اهمیت اثر مقررات حاکمیت شرکتی بر ثبات سیستم بانکی شده است. یکی از این عوامل به مدیریت ریسک برمی گردد که مدیریت ریسک اگر به صورت مناسب صورت بگیرد باعث افزایش قدرت رقابت در سیستم بانکی و افزایش نقدینگی می شود. عامل دیگر مربوط به نقش سیستم بانکی در افزایش مشارکت سهامداران یا سرمایه گذاران در بازار مالی می باشد. لذا وجود مقررات حاکمیت شرکتی باعث ایجاد امنیت برای سرمایه گذاران و ممانعت از ایجاد مخاطره اخلاقی شده و همچنین باعث بهبود مدیریت شوکها در سیستم بانکی می شود. نتایج این پژوهش با پژوهش تقوی، احمدی و کیانوند (۱۳۹۲) همسو و هم جهت است.

۵. منابع و مآخذ

۱. پروین، سهیلا، عباس شاکری و اعظم احمدیان (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر تأثیر شوک های ترازنامه ای نظام بانکی بر تولید و تورم در اقتصاد ایران»، فصلنامه پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۱۴، بهار، صص ۱۸۶ - ۱۴۹.
۲. فرزین وش اسداله، دادگر ید الله، مهر آرا محسن، نجارزاده ابوالفضل. نقش حاکمیت شرکتی بر شاخص های عملکرد نظام بانکی. فصلنامه پژوهش ها و سیاست های اقتصادی.
۳. شکوهی فرد، سیامک و عباس ظفر محمدپورسرابی، ۱۳۹۴، مطالعه ثبات مالی و ریسک در بانکداری اسلامی، کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی، ترکیه - استانبول، شرکت مدیران ایده پردازان پایتخت ایلیا
۴. میرباقری هیر میرناصر، ناهیدی امیرخیز محمدرضا، شکوهی فرد سیامک. ارزیابی ثبات مالی و تبیین عوامل مؤثر بر ثبات مالی بانک های کشور. فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی

۵. هادیان، مهدی، درگاهی، حسن. (۱۳۹۶). نقش سیاست های اقتصاد کلان در ثبات مالی اقتصاد ایران. پژوهشهای اقتصادی ایران

6. Agénor, P. R., Alper, K., & da Silva, L. A. P. (2014), "Sudden Floods, Macroprudential Regulation and Stability in an Open Economy". *Journal of International Money and Finance*, 48, 68-100.

7. Angelini, P., Neri, S., & Panetta, F. (2014), "The Interaction Between Capital Requirements and Monetary Policy". *Journal of Money, Credit and Banking*, 46(6), 1073-1112
8. Aschauer, D. A. (1985), "Fiscal Policy and Aggregate Demand". *The American Economic Review*, 75(1), 117-127
9. Bernanke, B. S., Gertler, M., & Gilchrist, S. (1999), "The Financial Accelerator in a Quantitative Business Cycle Framework". *Handbook of Macroeconomics*, 1, 1341-1393.
10. Burriel, P., Fernández-Villaverde, J., & Rubio-Ramírez, J. F. (2010), "MEDEA: a DSGE Model for the Spanish Economy". *SERIEs*, 1(1-2), 175-243.
11. Calvo, G. A. (1983), "Staggered Prices in a Utility-Maximizing Framework". *Journal of Monetary Economics*, 12(3), 383-398.
12. Claessens, S., Kose, M. A., & Terrones, M. E. (2012), "How Do Business and Financial Cycles Interact?". *Journal of International Economics*, 87(1), 178-190
13. Curdia, V., & Woodford, M. (2010), "Credit Spreads and Monetary Policy". *Journal Of Money, Credit and Banking*, 42(s1), 3-35.
14. Dagher, J., Gottschalk, J., & Portillo, R. (2010), "Oil Windfalls in Ghana: A Dsge Approach", *IMF Working Paper*, No. 10-116. International Monetary Fund.
15. Gerali, A., Neri, S., Sessa, L., & Signoretti, F. M. (2010), "Credit and Banking in a DSGE Model of the Euro Area". *Journal of Money, Credit and Banking*, 42(s1), 107-141.
16. Kiyotaki, N., & Moore, J. (1997), "Credit Chains". *Journal of Political Economy*, 105(21), 211-248.
17. Ravenna, F., & Walsh, C. E. (2006), "Optimal Monetary Policy with the Cost Channel". *Journal of Monetary Economics*, 53(2), 199-216.
18. Suh, H. (2012), "Macroprudential Policy: Its Effects and Relationship to Monetary Policy". *Working Paper*, No. 12-28. Federal Reserve Bank of Philadelphia
19. Uhlig, H. (1999), "A Toolkit for Analyzing Nonlinear Dynamic Rational Expectations Models Easily". *Computational Methods for the Study of Dynamic Economics*, 150-200.
20. Woodford, Michael. (2012), "Inflation Targeting and Financial Stability." *NBER Working Paper* , No. 17967. National Bureau of Economic Research

The Impact of Corporate Governance on Banks' Financial Stability

Ghazal Maleki¹

Date of Receipt: 2019/08/27 Date of Issue: 2019/09/17

Abstract

Strong corporate governance in companies, including banks, is one of the most important means of preventing corruption. Studies in various countries have shown that corporate governance weakness has increased financial corruption, which has led to a decline in economic growth, in addition to reducing domestic and foreign direct investment and increasing government spending. This research is an empirical research in the field of positive accounting research based on actual information on the financial statements of banks accepted in the Tehran Stock Exchange. This research is based on the relationship between causal variables, in terms of purpose, applied and in terms of method, descriptive survey, which uses historical information of companies and statistical methods to confirm or exclude hypotheses. The statistical population of this research includes companies accepted in Tehran Stock Exchange for the period 1392 to 1396, which is a sample of 15 banks. In this research, panel data was used to estimate the model. Descriptive and inferential methods have been analyzed to analyze the obtained data. In this research, Eviews software was used to test the hypotheses. The results of using ordinary least squares regression showed that the size of the board of directors and the percentage of unauthorized members had a positive and significant effect on bank financial stability.

Key words

financial stability, corporate governance, bank, board size, percentage of non-obligated members

1. Graduate Student, Accounting Department, Payam Noor University, Tehran, Iran